

به طور مشخص توافق ژنورا تا چه حد با نگاه جامع ما نسبت به تامین حقوق هسته‌ای کشور منطبق می‌دانید؟ توافق ژنورا تا چه میزان مطلوب شما بود؟ چون احساس می‌شد آقای صالحی رضایت صد درصد ندارد و آن طور که ظریف یارو حانی از این توافق دفاع می‌کنند، صالحی آن را تایید نمی‌کند و گفته بودید که می‌شد توافق بهتری داشت. حتی یکی از نمایندگان مجلس این بحث را مطرح کرد که عده‌ای از مقامات ارشد نظام در نامه‌ای به رهبری، انتقاداتی را نسبت به توافق ژنورا مطرح کرده‌اند که نام شما

نیز در بین اسامی ادعایی این نماینده موجود بود.

از آخر بگویم و آن اینکه اولاً راجع به این توافق نامه‌ای خدمت مقام معظم رهبری ننوشته‌ام. البته نامه‌هایی برای دکتر روحانی نوشته‌ام که در ارتباط با کیفیت و نحوه پیاده کردن توافق بوده و رونوشتی هم برای مسئولین دیگر از جمله آقای حجازی [از اعضای اصلی دفتر رهبری] فرستاده‌ام.

این نامه‌ها انتقاداتی را همراه داشته؟

نه خیر شامل بحث‌های فنی و عملیاتی بوده است. اما نامه‌ای راجع به این توافق که بگویم من مخالفم نداشته‌ام و جالب است که این شایعات را در رسانه‌ها می‌بینم. نکته دیگر این است که من راجع به همه دولت‌ها متصفانه صحبت کردم و هیچ‌گاه افراط و تفریط نداشته‌ام. من همیشه در صحبت‌هایم این را گفتم که نباید انتظار یک توافق آرمانی داشته باشیم و توضیح دادم که توافق آرمانی یعنی آن هافتوای رهبری را ملاک قرار داده و با این اعتبار که ایران بر اساس آن فتوا هیچ‌گاه منحرف نمی‌شود، پرونده ما را عادی کنند. اما این توافق این نیست و نمی‌توان گفت آرمانی‌ماست. اما گفتیم با توجه به شرایط زمان و مکان و خصلت‌های طرف مقابل که می‌شناسیم که اهل بهانه هستند و هسته‌ای هم بهانه است، این بهترین چیزی بوده که می‌توانسته حاصل شود اما آرمانی نیست. مورد دیگر این است که وقتی نقدی از درون خانواده می‌شود باید با سعه صدر بشنویم، اگر این نقد به جاست قبول می‌کنیم و اگر این نقد نایجاست باید تفهیم کنیم اما نقد خانوادگی دوستانه است. از جهت دیگر اگر یک تخریبی از خارج از کشور بشود آن‌ها خیر خواه مانع هستند و باید بین خودی و غیر خودی تفاوت قائل شوید. البته نقد هم باید واقعاً نقد باشد و دروغ نباشد. بنابراین من صد درصد موافق و موید این توافق هستم و می‌خواهم مشکل حل شده و از این پرونده تصنعی خارج شویم.

سر نوشت را کتور آب سنگین اراک به کجا می‌انجامد و اصولاً ضرورت وجود چنین تاسیسات حساس و پر چالش چیست؟ شما اخیراً از امکان تغییراتی در این تاسیسات سخن گفتید منظور تان از تغییرات چیست؟ گفته شده شاید منظور تغییر آن به آب سبک باشد. شما زمانی گفتید به غنی سازی ۲۰ درصد نیازی نداریم پس تعلیق کنیم. ممکن است روزی هم در مورد راکتور اراک بگویند نیازی نداریم و آن را هم تعطیل نماییم.

اول راجع به بیست درصد بگویم. ما واقعاً به ۲۰ درصد نیاز نداشته‌ایم اما وقتی نامه دادیم که سوخت ۲۰ درصد را بدهید و ندادند دنبال آن رفتیم. اما در مورد راکتور اراک که نامه نوشتیم به ما راکتور آب سنگین بدهید و نداده باشند و ماساخته باشیم. دلیل اینکه در گذشته دنبال غنی سازی ۲۰ درصد نمی‌رفتیم این بود که برای ما صرف نمی‌کرد و نیاز ما در آن حدی نبود که تا این حد هزینه کنیم. اما چون ندادند و ما نیاز داشتیم تاسیسات تولید ۲۰ درصد را احداث کردیم. الان هم به اندازه ۲ تا ۳ سال مواد اولیه برای تولید صفحات سوخت تولید ۲۰ درصد داریم. برخی در جامعه طوری القا کردند که ۲۰ درصد چیزی است که باید همیشه تولید کنیم در صورتی که چنین نیست اگر تعلیق کردیم برای این است اصلاً اگر تولید می‌کردیم می‌خواستیم آن را در کجا مصرف کنیم؟ یک راکتور تحقیقاتی تهران نیاز به ۲۰ درصد دارد. آن‌هایی که انتقاد می‌کنند بگویند ما اگر تولید ۲۰ درصد را ادامه می‌دادیم با آن چه می‌کردیم؟ باید آن را بفروشم؟ مشتری برایش پیدا کنند که به ما اورانیوم

روحانی رئیس جمهور شد و ایشان تصمیم گرفتند تا پرونده به وزارت خارجه باز گردد تا به عنوان پیش برنده مذاکره و خط مقدم کار محسوب شود البته بقیه سازوکارها از جمله کمیته هسته‌ای و روند تصمیم سازی و تصمیم گیری کم و بیش وجود دارد. اینجا دکتر روحانی به دلیل اشراف خوبی که به پرونده دارند می‌توانند به راحتی پرونده را مدیریت کنند که باعث سرعت گرفتن تصمیم سازی‌ها و تصمیم گیری‌ها شده است. ایشان تشخیص دادند که مذاکره کننده وزیر خارجه باشد که تشخیص خود دکتر روحانی بود.

دلیل این تصمیم را چه می‌دانید؟

البته دلیل را باید از خودش پرسید. دبیر شورای عالی امنیت ملی فرد مستقل تری نسبت به وزیر خارجه است چون هم طبق عرف نماینده رهبری در شورا و هم طبق قانون منتخب رئیس جمهور است و از سویی با همه نهادهای کشور در ارتباط است و جایگاه رفیعی دارد. در واقع نسبت وزیر به رئیس جمهور مثل نسبت دبیر بارئیس جمهور نیست. من دلیل اصلی را در حقیقت نمی‌دانم اما هر چه بوده باعث شده تا کار با سرعت بیشتری پیش رود و به خوبی پیش رود. این تصمیم صد درصد با اجماع همگان و با مشورت مقام معظم رهبری صورت گرفته است.

به توافق ژنوبیر دایم آقای دکتر ابرخی در کشور معتقدند که در شرایطی که بن بست در سیاست خارجی رخ داده بود و فشارهای اقتصادی هم زیاد بود این توافق ژنوبا توانست فشارها را کم کند و رونه‌ای را باز کند که بتوانیم تعاملات خود با جهان را افزایش دهیم و حتی از جنگ جلوگیری شد چقدر گزینه جنگ را در صورت نرسیدن به توافق جدی می‌دانید؟

من این را قبول ندارم. بنده به عنوان کسی که سه سال در وزارت خارجه حضور داشته گزینه نظامی را اصلاً قبول ندارم. نه اینکه خودمان را از نظر عقلی برای بدترین شرایط آماده نمی‌کنیم چون یک ملت هوشیار باید خودش را برای بدترین سناریوها آماده کند اما این به معنای اینکه این سناریو حتماً رخ می‌دهد نیست. مثلاً شما برای یک ارتش هزینه می‌کنید و ممکن است ۱۰۰ سال جنگ نشود اما شما با این فکر که دیگر جنگی نمی‌شود ارتش را منحل نمی‌کنید. اما این را هم می‌گوییم که قطعاً هیچ‌گاه گزینه نظامی در مورد ایران عملی نمی‌شود و این گفته بر اساس گزاره گویبی و خود بزرگ بینی نیست بلکه از روی یک واقعیت تحلیلی دقیق است. جمهوری اسلامی در جایگاهی است که او با ما اعتراف می‌کند "ایران ملت مقتداری است که نقش آفرینی جهانی دارد" این اقتدار را داریم. البته تا می‌گوییم مقتدریم برخی فکر می‌کنند اقتدار فقط در موشک و تجهیزات نظامی است در حالی که یک بعد از اقتدار به مسائل نظامی برمی‌گردد. ما اقتدار خود را در جنگ تحمیلی نشان دادیم چون از حیث تجهیزات صدام از ما سرت پر بود اما ما برنده نهایی جنگ شدیم. غرب با این کشور مقتدر بارها و بارها از جنگ گرفته تا تحریم فلج کننده وارد چالش شده تا تسلیم شود اما نشده و کشور کار خود را انجام می‌دهد. وقتی ملتی منسجم باشد کسی نمی‌تواند این انسجام را از بین ببرد و بر این اساس آمریکا و غرب به این نتیجه رسیدند که باید از تعامل با ایران وارد شوند. دلیل دیگر این است که ایران نشان داده در مسائل سیاسی با حکمت و عقلانیت رفتار می‌کند و فشارها از سوی طرف مقابل بوده چون چالش فکری که از اندیشه سیاسی ایران آغاز شده را در مقابل خود می‌بیند چون اگر اجازه رشد به آن بدهند و در ملت‌های منطقه نفوذ کند همه به آن میل پیدا می‌کنند و اینها چالش اصلی است که غرب می‌خواهد ما را تسلیم خود کند. آنها فهمیدند ایران اهل عقلانیت و حکمت و اقتدار است که باید با تعامل با او رفتار کنند و لذا گزینه جنگ هیچ‌گاه جدی نبوده است. مطمئن باشید راهی برای غرب جز تعامل با ایران نیست، چون انتخاب دیگری ندارند. آن‌ها تحریم فلج کننده گذاشتند و ارزش پول ملی ایران را ۶۰ درصد پایین آوردند اما در انتخابات همه آمدند به نوعی که روز انتخاب روحانی وزیر خارجه ایتالیا تماس گرفت و گفت ما از این ملت متحیریم و تبریک می‌گوییم چون انتظار داشتند کسی نیاید.

اما دلیل بی‌نیازی من از رفتن به دنبال مسئولیت، قانع بودن من نسبت به شغلی بود که داشتم. من معلم دانشگاه هستم و هر مرتبه اجرایی و پست‌های مدیریتی را بالاتر و قابل قیاس با معلمی نمی‌دانم. من معلمی را شغل بزرگی می‌دانستم، البته شاید خواننده فکر کند تعارف است اما این حقیقت است چون نیاز مادی نداشته‌ام و نیاز علمی هم نداشته‌ام چون از بهترین دانشگاه دنیا فارغ التحصیل (MIT) شدم و در بهترین دانشگاه ایران که دانشگاه شریف است عضو هیات علمی هستم که بالاترین افتخار ممکن است. از سوی دیگر اگر تنها نتیجه کار ۶۴ سال زندگی من همین شهید شهبازی باشد که دانشجوی من بود، بالاترین افتخار است و کفایت می‌کند.

انتقال پرونده هسته‌ای به وزارت خارجه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ چرا در زمان‌های گذشته این پرونده از شورای عالی امنیت ملی به وزارت خارجه منتقل نشد؟

بنده ادعا می‌کنم که از آغاز بحث هسته‌ای تا امروز در متن آن بوده‌ام. اواخر سال ۲۰۰۲ که پرونده شروع شد من در وین نماینده ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بودم. البته از آن زمان تا کنون هر کسی تاریخ هسته‌ای را به نقل خودش نوشته است ولی باید یک روز کتابی به روایت رسانه‌ها و اسناد نوشته شود که می‌تواند تقریباً گویای حقایق باشد. آن زمان مساله عمدتاً در سازمان انرژی اتمی پیگیری می‌شد ولی چون داشت به تصمیمات ملی و فراتر از سازمان می‌رسید، سازمان ابتدا با وزارت خارجه و در مرحله بعد با شورای عالی امنیت ملی مسائل را مطرح کرد. اینجا بود که وزارت امور خارجه هم در زمان دکتر خرازی ورود پیدا کرد اما هر دو نهاد رکن پرونده بودند که در ادامه مقداری بین این دو نهاد نظرات مختلفی پیش می‌آمد که از هم حرف شنوی لازم را نداشتند و به طور طبیعی پای دبیرخانه شورای امنیت ملی هم در زمان دکتر روحانی پیش کشیده شد. جلوتر که رفتیم دکتر خرازی گفت که وزارت خارجه به عنوان رکن نباشد و زیر مجموعه شورای عالی امنیت ملی فعالیت کند. قرار شد شورا رکن اصلی شود و آنجا هر چیزی که در کمیته هسته‌ای تصمیم گیری شود اجرا گردد. دبیر شورای امنیت ملی هم مجری مصوبات شد. این کمیته هسته‌ای شامل وزیر امور خارجه، رئیس سازمان انرژی اتمی، وزیر اطلاعات و دبیر شورای امنیت ملی و نهاد‌های ذی ربط می‌شد. اینها کمیته‌های کارشناسی فرعی داشتند و مطالب را برای تصمیم سازی به کمیته هسته‌ای می‌دادند و در آنجا تصمیمات لازم مشخص می‌شد. دبیر شورا این تصمیمات را نزد رئیس جمهور به عنوان رئیس شورای عالی امنیت ملی می‌برد و او هم تایید می‌کرد و سرانجام برای تصویب، تقدیم رهبر انقلاب می‌شد اما رکن پیش برنده کار دبیر شورا تعیین شد تا زمانی که دکتر

تا کنون هر کسی تاریخ هسته‌ای را به نقل خودش نوشته است ولی باید یک روز کتابی به روایت رسانه‌ها و اسناد نوشته شود که می‌تواند تقریباً گویای حقایق باشد

راجع به این توافق، نامه‌ای خدمت مقام معظم رهبری ننوشته‌ام. البته نامه‌هایی برای دکتر روحانی نوشته‌ام که در ارتباط با کیفیت و نحوه پیاده کردن توافق بوده و رونوشتی هم برای مسئولین دیگر از جمله [آقای حجازی] از اعضای اصلی دفتر رهبری فرستاده‌ام.